

این موج برخاسته از خشم توده‌ها، متوقف نخواهد شد

به موازات رشد بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که رشد اعتراضات کارگران و زحمتکشان را به دنبال داشته، چرخ‌های ماشین سرکوب رژیم با سرعت بیشتری به چرخش درآمده‌اند. افزایش فشار بر زندانیان سیاسی، دستگیری گسترده‌ی فعالین سیاسی و اجتماعی، امنیتی کردن فضای جامعه، نمایش خیابانی نیروهای سرکوب، همگی بخشی از این زنجیره هستند.

هر روز اخباری از دستگیری‌های جدید منتشر می‌شود، به‌نحوی که در ماه‌های اخیر تعداد زندانیان سیاسی به میزان زیادی افزایش یافته است. تنها بعد از عملیات تروریستی داعش در اهواز، صدها تن که نه تنها هیچ ارتباطی با این



در صفحه ۳

تناقضات ذاتی جمهوری اسلامی و کشمکش جناح‌ها

جمهوری اسلامی بنا به سرشت عمیقاً ارتجاعی‌اش، محکوم است که مدام در چنبره تناقضات لاینحل گرفتار بماند. درحالی‌که نزاع ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران بر سر توسعه‌طلبی در منطقه خاورمیانه به تحریم‌های اقتصادی دولت آمریکا انجامیده است، به‌رغم تلاش جناح‌های هیئت حاکمه برای نشان دادن ظاهراً وحدتی فارغ از تضاد، در شرایطی که رژیم از هر سو با بحران‌های داخلی و خارجی مواجه است، اما این تضادها بر سر هر مسئله‌ای سر باز می‌کنند و به‌شدت حاد می‌شوند. جنجال و کشمکش باندهای درونی هیئت حاکمه بر سر پیوستن یا نپیوستن به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اکنون به نقطه‌ای رسیده است که آن‌ها نه‌فقط در درون مجلس به توهین و فحاشی علیه یکدیگر و حتی درگیری فیزیکی روی آورده، بلکه آشکارا یکدیگر را از درون و بیرون مجلس تهدید می‌کنند. از تهدید مخالفان این طرح توسط رئیس مجلس گرفته، تا ارسال پیامک‌های تهدیدآمیز به موافقان آن، نمونه‌هایی از این درگیری‌ها در چند روز اخیر بوده است.

روحانی و فراکسیون‌های حامی وی در مجلس ارتجاع که برای نجات رژیم لاقفل در عرصه بین‌المللی از مخصمه انزوا تلاش می‌کنند، کوشیده‌اند این لایحه را که به نحوی دست جمهوری اسلامی را در حمایت از گروه‌های تروریست اسلام‌گرا و تأمین منابع مالی آن‌ها نیز باز بگذارد، تصویب کنند. اما مخالفین به آن رضایت نمی‌دهند. این لایحه پس‌ازآنکه در خردادماه سال جاری به دلیل مخالفت‌ها، به مدت دو ماه در مجلس ارتجاع اسلامی مسکوت گذاشته شد، سرانجام به‌رغم جنجال جناح مخالف در درون مجلس و تظاهرات حزب‌اللهی‌ها در خارج از مجلس، در جلسه روز یکشنبه ۱۵ مهرماه با ۱۴۳ رأی موافق، ۱۲۰ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع تصویب شد. اما روشن بود که این لایحه باوجود مخالفت شدید گروه‌هایی که از حمایت نیروهای مسلح و سرکوب رژیم و شخص خامنه‌ای برخوردارند، نمی‌تواند از سد شورای نگهبان عبور کند. همین اتفاق نیز رخ داد و شورای نگهبان ۲۲ ایراد کلی و جزئی بر آن گرفت و آن را رد کرد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس پس از اعلام نظر شورای نگهبان، گفت: "ایرادات کلی به این معنا است که شورای

در صفحه ۲

توطئه شوم علیه سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالان آن را خنثی کنیم

در صفحه ۸



وقتی هیچ بودگان، "صاحبان اصلی کشور" اطلاق می‌شوند!

یک روز بعد از اعلام رسمی تحریم‌های ثانویه دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور و محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران طی سخنانی جداگانه مردم ایران را "صاحبان اصلی کشور" خواندند و از آنان برای مقابله با تحریم‌ها یاری خواستند. اسحاق جهانگیری روز سه‌شنبه ۱۵ آبان در مراسم تودیع و معارفه وزیر صنعت، معدن و تجارت با گفتن اینکه دولت نباید تمام مسائل نگران‌کننده را برای مردم بازگو کند، اعلام کرد: مردم صاحبان اصلی کشور هستند و عبور از این شرایط سخت بجز با همکاری مردم امکان‌پذیر نیست. ما نیازمند همکاری و مشارکت مردم هستیم.

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه نیز در همین روز، با انتشار یک کلیپ ویدئویی خطاب به مردم ایران گفت: دولت این وظیفه را دارد چه با همراهی دیگران و چه بدون همراهی دیگران، زمینه را برای

در صفحه ۵

منافع و سیاست‌هایش تروریسم و گروه‌های تروریست را تعریف می‌کند، معضل جمهوری اسلامی و تناقضات درونی آن به‌جای خود باقی است و بازهم اختلافات در شرایط بحرانی از جای دیگر بیرون خواهد زد.

واقعیت این است که تضادهای درونی هیئت حاکمه زائیده خواست و اراده جناح‌های رژیم نیست که بتوانند بر آن‌ها سرپوش بگذارند و با به‌سادگی آن‌ها را حل کنند. این تضادها، برخاسته از سرشت جمهوری اسلامی، بحران‌ها، شکست‌ها و بن‌بست‌های این رژیم است. وقتی که اوضاع اقتصادی بحرانی است هریک از جناح‌ها می‌کوشد جناح دیگر را باعث‌وبانی آن معرفی کند. هریک می‌خواهد باسیاست‌های خود بر این بحران غلبه کند. اگر روحانی و گروه‌های موسوم به اصلاح‌طلب در واقعیت امر خواستار نوعی سازش با آمریکا هستند و آن را راهی برای غلبه بر بحران‌ها و نجات رژیم می‌دانند، جناح دیگر بالعکس می‌کوشد تضاد با آمریکا را تشدید کند و سیاست خود را پیش ببرد. درعین‌حال تشدید تضاد میان توده‌های مردم با رژیم و اعتلای مبارزات آن‌ها، همواره بر تضادها و شکاف درونی هیئت حاکمه تأثیر گذاشته و می‌گذارد و تضاد آن‌ها را تشدید می‌کند. بنابراین جمهوری اسلامی همان‌گونه که هرگز نتوانسته و نمی‌تواند تضادها و بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران را لااقل تعدیل کند، بلکه بالعکس آن‌ها را تشدید کرده است، هرگز نتوانسته و نمی‌تواند تضادها و بحران‌های درونی خودش را حل کند، برعکس، همواره آن‌ها را تشدید کرده و خواهد کرد. تردیدی نیست که با اعتلای بیشتر جنبش‌های اعتراضی در ایران، تضادهای درونی جناح‌های رژیم بازهم تشدید و شکاف درونی طبقه حاکم عمیق‌تر خواهد شد. جمهوری اسلامی راهی برای نجات از این تضادها و تناقضات ندارد.

تناقضات ذاتی جمهوری اسلامی و کشمکش جناح‌ها

اسرار و اطلاعات مالی و بانکی ویژه‌ای دارد که نمی‌خواهد در عرصه بین‌المللی برملا شوند. جمهوری اسلامی تعریف ویژه‌ای از تروریسم دارد که مختص خودش است و نمی‌تواند تعریف و برداشت گروه بین‌المللی اقدام مالی را بپذیرد. اما بالاخره رژیم برای فرار از قرار گرفتن در لیست سیاه در شرایط تحریم‌ها و بحران‌های داخلی با این کنوانسیون چه خواهد کرد؟ تناقضی که رژیم با آن مواجه است، از یکسو ناگزیر است در وضعیت اضطراری موجود با توصیه متحدان بین‌المللی خود، به آن بپیوندد و درعین‌حال نمی‌تواند به شرایط آن تن دهد. پس از تمدید مهلت چهارماهه، به نظر نمی‌رسد که رژیم بتواند حتی با دفع‌الوقت عجالتاً از معضل پذیرش آن رها گردد. در این شرایط، سردرگمی و نزاع در میان جناح‌های رژیم بالاگرفته است. توکلی عضو مجمع تشخیص مصلحت، طرفین را به آرامش دعوت می‌کند و می‌گوید: "باهم دعوا نکنیم"، "علیه یکدیگر جوسازی نکنیم" " من فکر می‌کنم که موضوع حل می‌شود" اما چگونه؟ او البته به‌طور ضمنی به خامنه‌ای اشاره دارد.

در واقعیت نیز این احتمال منتهی نیست که با توجه به شرایط وخیم داخلی و خارجی رژیم، با تغییراتی در این لایحه که مدنظر خامنه‌ای و جناح اوست، یا با نظر مساعد خامنه‌ای، قضیه به نحوی حل‌وفصل گردد. اما با فرض حل این اختلاف، مستثنا از این‌که این مصوبه مورد تأیید گروه ویژه اقدام مالی قرار می‌گیرد یا نه، چراکه اساساً نفع‌ظ طرفین تعاریف متضادی از ترور و تروریست دارند و جمهوری اسلامی به‌حسب

نگهبان به‌کلی لایحه CFT را رد کرده است. وی اما افزود: به‌زودی این لایحه در این کمیسیون بررسی می‌شود.

"بعد از اعلام نظر کمیسیون درباره این لایحه در صحن علنی مجلس نیز باید درباره این موضوع رأی‌گیری شود. اگر در صحن پارلمان این موضوع (رد طرح) رأی آورد این لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌رود و اگر نمایندگان بر مصوبه قبلی خود اصرار داشته باشند، این لایحه به مجمع تشخیص می‌رود." بن‌بست و کشمکش همچنان پابرجاست.

اما چرا در شرایطی که اوضاع داخلی و خارجی رژیم به‌شدت وخیم است و تصویب این لایحه برای حفظ ظاهر قضیه هم که شده، می‌تواند لااقل دست قدرت‌های امپریالیست اروپائی، روسیه و چین را در حمایت از جمهوری اسلامی و دور زدن تحریم‌ها بازتر بگذارد، جناح رقیب روحانی، به‌شدت با آن مخالفت می‌کند؟ علت مخالفت در تناقضات ذاتی و سرشتی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی نمی‌تواند خود را با موازین جهانی که خود بخشی از آن و پاسدار آن است، تطبیق دهد. نمی‌تواند از تروریسم و اسلام‌گرایی دست بردارد. نمی‌تواند از هژمونی طلبی منطقه‌ای کوتاه بیاید. نمی‌تواند سیاست خارجی توسعه‌طلبانه پان‌اسلامیستی را کنار بگذارد.

مخالفان این لایحه از آن‌رو نمی‌توانند به‌سادگی آن را بپذیرند که بیم دارند با تحت کنترل قرار گرفتن منابع ارزی، رژیم دیگر نتواند به‌راحتی هر سال میلیاردها دلار از ثروت کشور را صرف جاه‌طلبی‌های توسعه‌طلبانه خود، بودجه‌های مخفی ارگان‌ها و نهادهای نظامی و امنیتی، کمک به گروه‌های اسلام‌گرا و دولت‌های طرفدار خود از نمونه سوریه کند. در همین حال از آنجایی که برخی از ارگان‌های امنیتی و نظامی رژیم از نمونه سپاه پاسداران به‌عنوان تروریست در لیست تحریم‌های آمریکا جای گرفته‌اند، معضل جدی‌تری در برابر رژیم قرار دارد که مخالفان این لایحه از این زاویه نیز بر رد آن تأکید می‌کنند. بنابراین، رژیم برای پیوستن به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم با تناقضات و موانع غیرقابل‌حل روبه‌روست.

یک عضو هیئت‌رئیس مجلس در مخالفت با این لایحه "از نقشه شوم لابی صهیونیست‌ها، عربستان سعودی و آمریکایی‌ها سخن گفت و افزود: این لابی درصدد است تا با اجرای CFT راهی نفوذی به سمت اطلاعات بانکی، رمزها و اسرار کشورمان باز و سپس در شرایط مناسب ضربه نهایی خود را وارد کند."

یک عضو دیگر مجلس هم گفت این لایحه "بسیاری از اسرار بانکی و مالی کشورمان را در اختیار دشمنان نظام قرار می‌دهد. امکان القای تفاسیری کاملاً متفاوت در مورد تروریسم و گروه‌های آن از سوی کشورهای نظیر آمریکا و سایرین وجود دارد."

دلایل و نگرانی‌های مخالفان پیوستن به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به‌قدر کافی آشکار است. جمهوری اسلامی رمزها،



زنده باد سوسیالیسم!

کارگران و زحمتکشان!

سازمان فدائیان (اقلیت) یک سازمان کمونیستی و کارگری ست که برای برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار یک نظام کمونیستی، متشکل از انسانهای آزاد و برابر، از طریق یک انقلاب اجتماعی مبارزه میکند. به صفوف سازمان فدائیان (اقلیت) بپیوندید.

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

این موج برخاسته از خشم توده‌ها، متوقف نخواهد شد



مردامه دستگیر شده بودند، از جمله اخبار روزهای اخیر بود. گفته می‌شود به تازگی بیش از ۲۴ تن از آن‌ها از جمله صبا کردافشاری ۱۹ ساله که گزارش این اعتراضات را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کرد، به زندان محکوم شده‌اند.

دستگیری تعدادی از معلمان قبل و بعد از اعتصاب سراسری مهرماه یک نمونه دیگر است. اگرچه عموم آن‌ها از زندان آزاد شده‌اند، اما عبدالرضا قنبری معلمی که سال‌ها در زندان اسیر بود، در ۲۱ مهرماه یک روز قبل از آغاز اعتصاب سراسری معلمان به بهانه اجرای حکم دستگیر و زندانی شد.

هاشم خواستار معلم بازنشسته و از اعضای کانون صنفی معلمان مشهد نیز اول آبان دستگیر و در بیمارستان روانی زندانی شد که در پی اعتراضات متعدد ۱۹ آبان از زندان (بیمارستان روانی) آزاد شد. نحوه زندانی کردن هاشم خواستار در بیمارستان روانی یک نمونه تازه از روش جمهوری اسلامی برای درهم‌شکستن مخالفان خود و نشانه‌ی بی‌شرمی بی‌حد و مرز ماموران سرکوب رژیم است. حتا تجمع خانواده و تعدادی از دوستان و همکاران هاشم خواستار در برابر بیمارستان روانی برای ملاقات با هاشم خواستار منجر به برخورد وحشیانه رژیم و دستگیری حداقل ۱۲ نفر شد که براساس برخی از اخبار دو نفر از آن‌ها از جمله "اعظم غلامی زهاب" همچنان در بند هستند.

صدور احکام طولانی مدت زندان برای دانشجویان، از جمله دانشجویانی که در اعتراضات دی‌ماه دستگیر شده بودند یک نمونه دیگر است. دشمنی و شدت عمل رژیم با دانشجویان بویژه به این دلیل است که دانشجویان در اعتراضات دی‌ماه نه فقط با شعار خود "اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تموم ماجرا" نقطه‌ی پایانی بر داستان "اصولگرا و اصلاح‌طلب" گذاشتند، بلکه با سر دادن شعارهایی همچون "نان کار آزادی" رادیکالیزم رو به رشد در جنبش دانشجویی را که این بار رو به سوی توده‌های کار و زحمت دارد به نمایش گذاشتند. افزایش جو امنیتی در دانشگاه و فشار بر دانشجویان در یک ماه اخیر نیز بیش از هر چیز پاسخ رژیم به رشد اعتراضات دانشجویی است. برای نمونه ممنوعیت پوشیدن لباس راحتی در خوابگاه دانشجویی، اعلام حضور ایندولوژیک و امنیتی رژیم حتا در خوابگاه‌هاست. حضور در محل زندگی دانشجویان و دخالت در خصوصی‌ترین امور آن‌ها، دانشجویانی که حتا اجازه پوشیدن لباس راحتی در محل زندگی خود را ندارند.

به‌ویژه در دی‌ماه سال گذشته نقش مهمی در گسترش اعتراضات توده‌ای داشته است. خوزستان جدا از اهمیت استراتژیک آن، در سالیان اخیر از پیشتازان مبارزه علیه ظلم و بی‌داد حاکم بوده است. ما در نشریه کار شماره ۷۳۶ (نیمه اول اسفند ۹۵) با اشاره به اعتراضات مردم خوزستان و به طور خاص شهر اهواز به آلودگی هوا بود که نوشتیم "اعتراضات اهواز بیانگر نطفه‌های اعتلایی نوین بوده و در کنار اعتراضات اخیر کارگری به وضوح تغییراتی را در روحیه مبارزاتی توده‌ها نشان می‌دهد". کارگران خوزستان از جمله کارگران نیشکر هفت‌تپه و فولاد اهواز نیز از جمله پیشروترین مبارزترین کارگران ایران هستند.

در روزهای اخیر همچنین اخباری از احضار تعدادی از زنان معترض به نظم سیاسی و حقوقی موجود منتشر شده است. امیر رئیس‌یان وکیل مدافع زنان احضار شده به دادسرا تعداد آنان را ۹ نفر اعلام کرده و گفت: "امکان دارد تعداد بیشتری به دادسرا احضار شده باشند". پیش از این نیز چهار فعال سیاسی زن با نام‌های نجمه واحدی، هدی عمید، رضوان محمدی و مریم آزاد دستگیر شده بودند که دو نفر از آن‌ها هنوز در بازداشت بوده و دو نفر دیگر با قید وثیقه به طور موقت از زندان آزاد شده‌اند. نجمه واحدی، هدی عمید و رضوان محمدی چند روز پیش از برگزاری کارگاهی با موضوع برابری زن و مرد در ازدواج در منازل خود بازداشت شده بودند.

همچنین محکومیت تعدادی از زندانیان سیاسی به زندان که در پی اعتراضات

عملیات نداشتند بلکه عموماً مخالف آن بودند، دستگیر شده‌اند. برخی از منابع تعداد دستگیرشدگان خوزستان در ماه اخیر را ۶۰۰ نفر اعلام کرده‌اند. دستگیری در خوزستان آنچنان وسیع بوده است که حتا سازمان عفو بین‌الملل را به واکنش واداشته و به بازداشت صدها تن از فعالان عرب خوزستان اعتراض کرده است. فیلیپ لوتر مدیر بخش تحقیقات خاورمیانه و شمال آفریقا این سازمان در این رابطه گفت: "ابعاد بازداشت‌ها در هفته‌های اخیر عمیقاً هشداردهنده است. به نظر می‌رسد که مقامات ایرانی از حمله اهواز به عنوان بهانه‌ای برای اقدام علیه اقلیت قومی عرب و نیز جامعه مدنی و فعالان سیاسی در اهواز استفاده می‌کنند". در برخی از موارد نه فقط جوانان بلکه پدران و مادران آن‌ها نیز دستگیر شده‌اند. حتا تلاش برای کسب خبر از بازداشت‌شدگان منجر به دستگیری آن‌ها شده است. "محمد مومنی تیماس" روز هشتم مهر و در پی مراجعه به "دادگاه انقلاب" اهواز برای پیگیری وضعیت دو فرزند زندانی‌اش بازداشت و تاکنون هیچ خبری از وی و محل نگهداری او منتشر نشده است. عموم خانواده‌های دستگیرشدگان از وضعیت عزیزان خود بی‌اطلاع هستند. جمهوری اسلامی حتا از بازداشت زنان باردار نیز ابایی نداشته و "صهبا حمادی" را بازداشت کرده است.

بازداشت‌های وحشیانه این‌چنینی که با بی‌خبری مطلق از بازداشت‌شدگان همراه است، تنها با هدف ایجاد رعب و وحشت در منطقه‌ای است که در طول یکسال اخیر و

ماه‌های اخیر شاهد افزایش وحشتناک گرانی و گسترش فقر بوده‌ایم. بحرانی که بستر اصلی اعتراضات تکنونی را فراهم نموده است.

بنابراین تنها ابزار رژیم که البته در طول چهل سال حاکمیت اسلامی همواره از آن به نحو بارزی بهره جسته سرکوب بوده و هست. رژیم به همین منظور سعی می‌کند فضای سیاسی جامعه را با بهانه‌های متفاوت بستمتر و در نتیجه امکان شکل‌گیری اعتراضات را محدود کند. اما واقعیت مهم این است، همان‌طور که رژیم در برابر موج اعتراضات دی‌ماه غافلگیر شد، جلوی بروز مجدد و مکرر این اعتراضات را هم با هیچ حربه‌ای نمی‌تواند بگیرد. ادامه اعتراضات از دی‌ماه به‌رغم تمام فراز و نشیب‌ها بیان همین واقعیت است، از اعتراضات خیابانی تا اعتصابات سراسری.

اعتراضات و اعتصابات سراسری کامیونداران به‌رغم دستگیری ۲۷۰ راننده متوقف نشده است. اعتصابات سراسری معلمان تداوم یافته است. اعتراضات و اعتصابات کارگری همچنان روندی صعودی دارند. بازنشستگان، مال‌باختگان بارها دست به اعتراض زده و خواهند زد.

موج اعتراضات اخیر نه تنها خاموش شدنی نیست، بلکه در مسیر خود و با پیوستن هر چه بیشتر توده‌ها به اعتراضات علنی و اعتصابات، از میزان اثرگذاری سرکوب نیز کاسته خواهد شد. این به معنای آن نیست که رژیم دیگر سرکوب نخواهد کرد، بلکه به این معناست که با عمومی‌تر شدن اعتراضات و اعتصابات، به‌رغم سرکوب، توده‌های بیشتری حاضر به فداکاری و مبارزه علنی شده و آمادگی آن‌ها برای پیوستن به اعتراضات بیشتر می‌شود.

این موج برخاسته از خشم توده‌ها را هیچ چیز متوقف نخواهد کرد، این موج تا سرنگونی رژیم به پیش خواهد رفت.

این موج برخاسته از خشم توده‌ها، متوقف نخواهد شد

اتوبوسرانی تهران و حومه و احتمال تایید حکم زندان داود رضوی دیگر عضو سندیکا در دادگاه تجدید نظر، تداوم دستگیری وکلا، فعالان شبکه‌های اجتماعی، محیط زیست و غیره به صورت روزانه، مانورهای نظامی، استقرار نیروهای نظامی و انتظامی در خیابان‌ها تحت عناوین مختلف، همگی بخش‌هایی به‌هم پیوسته از چرخ‌های ماشین سرکوب رژیم هستند.

هدف اصلی رژیم ایجاد آن‌چنان جو سرکوب و اختناقیست که مانع شعله‌ور شدن آتش خشم توده‌ها شود. بعد از اعتراضات دی‌ماه که وسعت و رادیکالیسم آن رژیم را به شدت هراسان کرد، جمهوری اسلامی به این نتیجه رسید که با توجه به علل عینی شکل‌گیری اعتراضات و چشم‌انداز وخامت اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، شرایط برای گسترش این اعتراضات و شکل‌گیری موج جدیدی از اعتراضات توده‌ای که بسیار طوفانی‌تر از دی‌ماه خواهد بود وجود دارد.

به همین دلیل جمهوری اسلامی تمام ابزارهای خود را برای جلوگیری از شعله‌ور شدن آتش خشم توده‌ها به کار گرفت که در این میان دستگاه‌های سرکوب رژیم اعم از سپاه، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، دستگاه قضایی و زندان نقش اصلی را برعهده دارند. دلیل آن نیز روشن است. مهم‌ترین و کارآترین ابزار رژیم برای مقابله با خشم توده‌ها سرکوب است. جمهوری اسلامی به دلیل ماهیت بورژوازی خود همان‌طور که بعد از اعتراضات دی‌ماه دیدیم، قادر به مقابله با رشد بحران اقتصادی رکود - تورمی، رشد بیکاری و فقر نبوده و بحران مدام عمیق‌تر می‌شود به نحوی که در

دستگیری گسترده رانندگان اعتصابی در جریان سومین اعتصاب سراسری آن‌ها یک نمونه دیگر از سیاست سرکوب رژیم در شرایط فعلی است. در حالی‌که در جریان دو اعتصاب قبلی، رژیم واکنش چندانی از خود نشان نداد، در جریان سومین اعتصاب سراسری آن‌ها حدود ۲۷۰ راننده اعتصابی دستگیر شدند که از سرنوشت آن‌ها تاکنون اخباری منتشر نشده است.

کانون نویسندگان ایران نیز روز ۱۷ آبان با صدور اطلاعیه‌ای "اتهام تراشی و پرونده سازی برای اعضای این کانون را محکوم کرد". رضا خندان مهابادی و کیوان باژن از دبیران کانون نویسندگان ایران و بکتاش آبتین از بازرسان کانون بار دیگر به دادرسی امنیت واقع در زندان اوین احضار و این‌بار جدا از اتهام "تبلیغ علیه نظام"، اتهاماتی همچون "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" و "تشویق بانوان کشور به فساد و فحشا" به آن‌ها زده شد. اتهامات اخیر به دلیل حمایت کانون نویسندگان از حق برابری زن و مرد بوده است. در بخشی از اطلاعیه کانون نویسندگان ایران در این رابطه آمده است: " برای این اتهام شرم‌آور کسانی را باید به دادگاه کشاند که حقوق زن را نیمی از حقوق مرد می‌دانند؛ کسانی را باید محاکمه کرد که سن فحشا و اعتیاد را به دوازده سالگی رسانده‌اند و گروه گروه زنان جوان را به بردگی جنسی کشانده و در بازارهای سکس داخل و خارج به تاراج گذاشته‌اند؛ کسانی که هزاران کودک دختر و پسر را از تحصیل و زندگی امن و شاد بازداشته و در کارگاه‌ها و خیابان‌ها جسم و جانشان را تباہ و فسادهای گوناگون را به آنها تحمیل می‌کنند".

افزایش فشار بر زندانیان سیاسی یک نمونه دیگر از تشدید سرکوب و تلاش برای محدودتر کردن فضای سیاسی است. برای جمهوری اسلامی زندان ابزار مهمی برای ایجاد رعب و وحشت در میان توده‌هاست. بسیاری از زندانیان سیاسی همچون فرهاد میثمی و نسرين ستوده در این مدت بارها دست به اعتصاب غذا زده و یا در اعتصاب غذا بسر می‌برند. خانواده‌ی زندانیان سیاسی زندان ارومیه نیز در روزهای گذشته نسبت به افزایش فشار و تشدید محدودیت‌های زندانیان سیاسی در این زندان، در برابر زندان دست به اعتراض زدند.

صدور احکام زندان و شلاق برای ۲۴ کارگر مبارز هیکو، تایید حکم ۵ سال و سه ماه زندان ابراهیم مددی کارگر بازنشسته و عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد

**گرامی باد
یکصد و یکمین سالگرد
انقلاب سوسیالیستی اکتبر**

وقتی هیچ بودگان، "صاحبان اصلی کشور" اطلاق می شوند!

زندگی راحت مردم فراهم کند."

این اولین بار نیست که هیات حاکمه ایران از سر استیصال و نیاز به توده های سرکوب شده، از آنان به عنوان "صاحبان اصلی کشور" یاد می کند. جمهوری اسلامی هر بار که در "شرایط سخت" قرار می گیرد، یادش می آید که در ایران مردمی هم وجود دارند، مردمی که به دروغ "صاحبان اصلی کشور" خوانده می شوند. همان مردمانی که طی چهاردهه توسط جمهوری اسلامی سلاخی شده اند، زندان و بند را تجربه کرده اند، سال از پی سال رنج برده و فقیر و فقیرتر شده اند. مردمی که طی ۴۰ سال حاکمیت ارتجاعی اسلامی به هیچ گرفته شدند و حتی یک روز هم در امنیت و آسایش بسر نبرده اند، توده های به تاراج رفته ای که شب ها با کابوس دستگیری و شکنجه و زندان سر به بالین گذاشته اند و روزها در هر کوی و برزن با تحقیر و توهین ماموران امنیتی، گشت ارشاد و گله های حزب الهی مواجه بوده اند. مردمی که در تمامی سال های به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی سهم شان از آسایش و رفاه، از شادی و لبخند، جز حسرت و اشک و آه چیز دیگری نبوده است. اما اکنون، همان مردمی که توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران طی ۴ دهه اینچنین با بی رحمی تمام سرکوب شده اند و همواره در بی حقوقی محض زندگی کرده اند، به یکباره "صاحبان اصلی کشور" اطلاق می شوند. بر اساس نیاز طبقه حاکم به آنان، یک شبه به مردمانی عزیز تبدیل می شوند که دولت جمهوری اسلامی وظیفه دارد زمینه را "برای زندگی راحت" آنان فراهم کند. شرمتان باد که اینگونه توده های سرکوب شده را به سخره گرفته اید.

ادعای فریبکارانه "مردم صاحبان اصلی" کشورند، البته اولین بار نیست که توسط دست اندرکاران حکومتی بیان شده است. پیش از این نیز رهبران جمهوری اسلامی خصوصا خامنه ای و روحانی در هر دوره "انتخاباتی" که رژیم نیازمند رای مردم بود، از آنان به عنوان "صاحبان اصلی کشور" نام برده اند. اکنون نیز که جمهوری اسلامی با یکی از بحرانی ترین شرایط دوران حیات خود مواجه است، ظاهرا این وظیفه بر دوش جهانگیری و ظریف گذاشته شده است تا توده های غارت شده را "صاحبان اصلی کشور" خطاب کنند.

به راستی حاکمان جمهوری اسلامی با کدام پیشینه حکومتی به خود اجازه داده اند تا توده های کارگر و زحمتکش سرکوب شده، مردم به یغما رفته، کشتار شده و به عبارت دیگر همان هیچ بودگان جامعه را صاحبان اصلی کشور بخوانند. وزرا و دست اندرکاران کابینه روحانی که طی ۵ سال گذشته بجر فقر و فلاکت روزافزون، ارمغان دیگری برای کارگران و توده های زحمتکش ایران نداشته اند، چگونه و با کدام عملکرد اقتصادی و اجتماعی مدعی شده اند دولت وظیفه دارد زندگی راحتی را برای مردم ایران فراهم سازد؟ به راستی این همه شارلاتانیزم و دغلکاری مقامات جمهوری

اسلامی از کجا نشأت گرفته است؟

برای اثبات دروغ باقی های مضمّن کننده حاکمان جمهوری اسلامی، نیازی نیست به دهه ۶۰ و کشتارهای خونین آن سال ها برگردیم و آنگاه با صدای بلند بانگ برکشیم، ای قاتلان، ای جلادان و ای کشتارکنندگان مردم ایران، شرمتان باد که با چنین پیشینه ای از زندان و شکنجه و با چنین کارنامه ای از کشتارهای جمعی زندانیان سیاسی در دهه ۶۰، اکنون که به روزهای استیصال رسیده اید، به سوی همان مردمان سرکوب شده، همان مردمان به غارت رفته و همان مردمان تحقیر شده دست نیاز دراز می کنید و با تکرار یک دروغ تاریخی از آنان به عنوان "صاحبان اصلی کشور" یاد می کنید. همان مردمی که در حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی حتی یک روز هم "صاحبان اصلی کشور" نبوده اند.

برای نشان دادن شارلاتانیزم ناب طبقه حاکم، نیاز چندانی نیست تا بر وقایع خونبار سال ۸۸ متمرکز شویم. سالی که صدها نفر از جمله ندا آقاسلطان در خیابان ها کشتار شدند، هزاران نفر به بند کشیده شدند و بسیاری نیز در بازداشتگاه های مخوف جمهوری اسلامی سلاخی شدند. ماجرای بازداشتگاه کهریزک هرگز از یاد توده های مردم ایران نرفته است. بازداشتگاهی که در آن تعدادی از دستگیرشدگان مورد تجاوز قرار گرفتند، تنی چند از آنان همانند امیر جوادی فر، محسن روح الامینی، محمد کامرانی و رامین آقازاده قهرمانی زیر شکنجه به قتل رسیدند و رامین پوراند رجاتی، پزشک وظیفه و یگانه شاهد بازداشتگاه کهریزک نیز توسط ابادی سعید مرتضوی - دادستان وقت تهران - با عنوان جعلی خودکشی به قتل رسانده شد. شرمتان باد که با چنین کارنامه ای از جنایت و کشتار، با چنین پیشینه ای از دزدی، غارت و چپاول حاصل دسترنج کارگران، اکنون که کفگیرتان به ته دیگ خورده، اکنون که از سر استیصال نیازمند همان مردمان به تاراج رفته شده اید، از آنان به عنوان "صاحبان اصلی کشور" یاد می کنید.

برای اثبات ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی تان و برای نشان دادن فقر و فلاکتی که بر کارگران و توده های زحمتکش ایران تحمیل کرده اید، نیازی به کارنامه کابینه های گذشته نیست. نگاهی گذرا به عملکرد ۵ ساله همین کابینه به اصطلاح "تدبیر و امید" کافی است، تا همه بدانند که کارگران و توده های مردم ایران طی همین ۵ سال اخیر تا چه حد از زندگی ساقط و روز از پی روز فقیر و فقیرتر شده اند. چه تعداد از کارگران، معلمان، روزنامه نگاران و فعالین اجتماعی طی همین مدت به زندان و بند کشیده شدند. چه تعداد از کارگران و معلمان پیشرو صرفا به جرم دفاع از حقوق معوقه شان، به جرم اعتراض به بی حقوقی شان، به جرم اینکه فقط خواهان برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه بوده اند، از کار اخراج و یا به زندان و حبس محکوم شدند و چه تعداد دیگری از آنان، زخم شلاق بیدادگاه های جمهوری اسلامی بر کرده شان نشسته است. فقر و فلاکتی که در همین دوره ریاست جمهوری روحانی بر کارگران و عمو

توده های زحمتکش ایران تحمیل شده است، در هیچ دوره ای سابقه نداشته است.

خیزش انقلابی و سلحشورانه جوانان، بیکاران، دختران خیابان انقلاب و عموم توده های غارت شده مردم ایران در دیماه ۹۶ در واقع پاسخ درخوری به همه بیدادگری های طبقه حاکم طی ۴ دهه گذشته بود. توده هایی که اینبار با اراده ای مصمم و با شعار "اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمام ماجرا" به میدان مبارزه ای علنی و همه جانبه با جمهوری اسلامی پا گذاشته اند تا با سرنوشتی جمهوری اسلامی خود صاحبان اصلی و واقعی کشور شوند. دستگیری بیش از ۵ هزار نفر در اعتراضات دیماه، به رگبار بستن جوانان معترض در خیابان ها، به قتل رساندن ده ها نفر از دستگیرشدگان زیر بازجویی و شکنجه و روی آوری مجدد رژیم به ترور مخالفان سیاسی همه و همه بیانگر این است که در حاکمیت جمهوری اسلامی، کارگران، جوانان، زنان، معلمان، دانشجویان و عموم توده های زحمتکش ایران هرگز "صاحبان اصلی کشور" نبوده اند. در دوران ۴۰ ساله حاکمیت جمهوری اسلامی عموم توده های مردم ایران نه تنها سهمی از امنیت، آزادی، رفاه، تامین شغل و آسایش نصیبشان نبوده است، بلکه همان مردمی که به دروغ آنان را "صاحبان اصلی کشور" اطلاق کرده اید، برای بدست آوردن ابتدایی ترین حق و حقوق انسانی و دموکراتیک شان، همواره به زندان و مرگ محکوم شده اند.

کارگران و توده های زحمتکش ایران به رغم توافق برجام و دستیابی دولت به صدها میلیارد دلار حاصل از نفت، نه تنها بهبودی در وضعیت معیشتی شان حاصل نشد، بلکه بازم فقیر و فقیرتر شدند. اکنون اما، در شرایط تحریم های ثانویه و در وضعیتی که کارگران و توده های فقر زده مردم ایران در کشاکش ویرانگر سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی و دولت امپریالیستی آمریکا گرفتار شده اند، وزیر خارجه جمهوری اسلامی با وقاحتی بی نظیر مدعی شده است: "دولت وظیفه دارد تا زمینه را برای زندگی راحت مردم فراهم کند." همان مردمان لگندمال شده ای که طی ۴ دهه اسیر استبداد و کشتار جمهوری اسلامی بوده اند، همان مردم سرکوب شده و به غارت رفته ای که اکنون قربانیان واقعی تحریم نیز هستند. تحریم هایی که حاصل و نتیجه سیاست توسعه طلبانه و پان اسلامیستی جمهوری اسلامی و سیاست هژمونی طلبانه دولت آمریکا در منطقه بوده است.

تردید نیست که با بودن جمهوری اسلامی هیچ روزنه امیدی برای نجات توده های مردم ایران از وضعیت موجود متصور نیست. حتی اگر روزی جمهوری اسلامی بر سر سیاست توسعه طلبانه منطقه ای خود با آمریکا به توافق برسد، باز هم شرایط برای کارگران، زنان، معلمان و عموم زحمتکشان ایران تغییر چندانی نخواهد کرد. جمهوری اسلامی پیش از آنکه با آمریکا دشمنی داشته باشد، دشمن آشتی ناپذیر توده های مردم ایران است. کارگران و توده های سرکوب شده ایران برای اینکه صاحبان واقعی کشور باشند، برای اینکه بر سرنوشت خود حاکم گردند، راهی بجز سرنوشتی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان برایشان باقی نمانده است.

توطئه شوم علیه سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالان آن را خنثی کنیم



برای رژیم مشخص شده است که شوراهای اسلامی و خانه کارگر و تشکلات دولتی مشابه، کارکردهای گذشته خود را از دست داده‌اند و نمی‌توانند در به انحراف کشاندن مبارزات کارگری نقش مهمی ایفا کنند و یا سد و مانعی در برابر آگاهی روزافزون و شتابان کارگران و رشد جنبش طبقه کارگر ایجاد کنند، از این رو درصدد ایجاد تشکل با همان کارکرد اما از نوع دیگری برآمده است تا با ایجاد یک سندیکای دست‌ساز، سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد را از هم بپاشاند یا ایزوله کند. در سال‌های اولیه پس از قیام ۵۷ نیز رژیم عینا به چنین ترفند و توطئه‌های دست زد. زمانی که شوراهای مستقل کارگری در مقیاس نسبتا گسترده‌ای در کارخانه‌ها و موسسات صنعتی و خدماتی بوجود آمده بود و مورد اعتماد و محبوب کارگران بود و رژیم نمی‌توانست به فوریت آن‌ها را برچیند و نابود کند، به تاسیس شوراهای اسلامی پرداخت!

بنابراین جنبش کارگری و تمام تشکل‌ها و فعالان کارگری باید با هوشیاری و چشمان باز این ترفند و توطئه را افشا و با آن مقابله کنند. اگر در سندیکای کارگران شرکت واحد باید مجمع عمومی برگزار شود، این خود کارگران شرکت واحد و هیئت مدیره سندیکا هستند که مستقل از دخالت نهادهای دولتی و امنیتی باید مجمع عمومی خود را برگزار کنند. صحبت کردن از "اهمیت و جایگاه مجمع عمومی و لزوم تشکیل آن" و طرح این نکته که "از نظر آئین‌نامه‌های هیئت مدیره موظف به برگزاری مجمع عمومی است" بدون در نظر گرفتن این موضوع که چه کسی و با چه نییتی دارد این مجمع عمومی را برگزار می‌کند و بدون توجه به اهداف شوم و توطئه‌گرانه‌ای که سرخ اصلی آن در دست دستگاه امنیتی رژیم است و قصد دارد در تقابل با سندیکای کارگران شرکت واحد یک سندیکای قلابی و فرمایشی ایجاد کند، در عمل همسویی با عناصر و گرایش راستی است که ابزار دست دولت و نهادهای امنیتی آن شده‌اند. بنابر این نیازی به تاکید نیست که در این تهاجم بزرگی که علیه سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد و فعالان آن به راه افتاده است، هر فعال سیاسی و هر فعال کارگری و نیز تشکل‌های فعالان کارگری، باید هوشیاری خود را حفظ کنند و در موضع‌گیری‌های سیاسی و عملی خود، به دامی که رژیم آن را پهن کرده است نیافتند و پی‌گیرانه تلاش مذبحانه نهادهای دولتی و همه کسانی را که به ابزار دست رژیم تبدیل شده‌اند فاش سازند. تلاش‌هایی که برگزاری مجمع عمومی را وسیله پیشبرد اهداف ضد کارگری یعنی به حاشیه راندن سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد و فعالان آن و ایجاد یک سندیکای دولتی قرار داده است. "هیئت برگزاری مجمع عمومی" اعلام کرده است که مجمع عمومی را اواخر آبان برگزار خواهد کرد. در اطلاعیه شماره ۵ خود مورخ ۶ آبان از تشکل‌هایی یاد نموده که از آن‌ها درخواست شده نمایندگان‌شان را برای شرکت در

مدیره سندیکا را انتخاب کنند. بنابرین مثل روز روشن است که برگزاری مجمع عمومی و انتخابات که دستگاه امنیتی و وزارت کار و مدیریت شرکت واحد و دنباله‌روهای‌شان از آن دم می‌زنند، صرفا ابزار و بهانه‌ای است برای تخریب سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد و سرهم بندی کردن یک سندیکای دولتی و تقلبی!

این تصور که گویا عده‌ای خواهان مجمع عمومی‌اند و عده دیگری که عمدتا در هیئت مدیره سندیکا هستند، مخالف برگزاری مجمع عمومی هستند از ریشه خطاست. این یک تصور سطحی از قضایا و ندیدن عمق توطئه‌های است که از سوی نهادهای دولتی - امنیتی دارد هدایت و رهبری می‌شود. موضوع حتما فقط این نیست که گرایش راست و پرو رژیم سندیکا علیه گرایش چپ آن وارد عمل شده که طبعا باید از گرایش چپ در مقابل راست دفاع شود. موضوع فراتر از این است و به‌طور واقعی پای اطلاعات و دستگاه امنیتی رژیم در میان است. مساله اصلی این است که رژیم از محبوبیت و فعالیت‌های موثر داخلی و بین‌المللی سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد بسیار ناراضی و عصبانی است. تمام تلاش‌های تاکنونی رژیم برای از هم پاشاندن این سندیکا و تعطیل کامل فعالیت آن با شکست روبرو شده است. اخراج و زندان و شکنجه و حبس‌های طولانی مدت و هزار و یک تمهید دیگر برای خارج ساختن سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالان آن از صحنه مبارزه بی‌نتیجه مانده است. افزون بر این اکنون کاملا

استقبال عمومی قرار بگیرد، تلاش و توطئه علیه سندیکای کارگران شرکت واحد را ادامه داد. در تبلیغات گسترده این مجموعه پیرامون برگزاری مجمع عمومی که با امضاء "هیئت برگزاری مجمع عمومی سندیکا" انتشار یافت بدگویی و سمپاشی علیه سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالان سندیکا و نیز علیه مدافعان آن‌ها، با ادبیات آخوندی - امنیتی تشدید شد. دولت و وزارت کار آن و مدیریت شرکت واحد که از سال ۸۴ به این سو، اجازه ندادند سندیکای کارگران شرکت واحد مجمع عمومی خود را برگزار نماید تا کارگران نمایندگان و هیئت مدیره جدیدی را انتخاب کنند و هر تلاشی را در این زمینه با بیرحمی و درنده خویی سرکوب و دست‌اندرکاران آن را مورد تعقیب و پیگرد و آزار قرار داده، به حبس افکنده و به اشکال گوناگون مجازات کرده‌اند، اکنون درست در مقطعی که هیئت مدیره سندیکا در تدارک برگزاری مجمع عمومی بود، ناگهان کاسه داغ‌تر از آتش شده و به فکر برگزاری مجمع عمومی افتاده‌اند. بر هیچ کارگر آگاهی پوشیده نیست که هدف توطئه‌گران ایجاد تفرقه در میان کارگران شرکت واحد، ایجاد یک تشکل دولتی و به حاشیه‌راندن سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد است. وگرنه اگر ریگی به کفش این حضرات نبود و آن‌طور که ادعا کرده‌اند که راه حل مشکلات "رجوع به خود کارگران است" اجازه می‌دادند هیئت مدیره سندیکا، مجمع عمومی را برگزار کند تا کارگران شرکت واحد هیئت

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

توطئه شوم علیه سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالان آن را خنثی کنیم

جامعه رنج می‌برند، بر محور مشارکت، اتحاد و تشکل‌یابی پیوند می‌یابد، تلاش سرمایه‌داری، کارفرما و جناح‌های حکومتی برای انحلال تشکل‌های مستقل و احیای تشکل‌های وابسته، زرد و کاذب بیشتر شده است. به همین دلیل ضرورت هوشیاری همه تشکل‌ها و انسان‌های آگاه و صادق برای خنثی نمودن این سیاست‌های ضد کارگری و ضد مردمی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود."

این‌ها عصاره موضع چند تشکل در برابر سندیکاسازی دولتی بود. سایر تشکل‌ها نیز در این کشاکشی که یک سر آن سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد و کارگران حامی آن قرار دارند و سر دیگر آن نهادهای دولتی - امنیتی باضافه مدیریت شرکت واحد و کسانی که به بازیچه و ابزار دست آن‌ها تبدیل شده‌اند، باید موضع روشنی در حمایت از سندیکای کارگران شرکت واحد اتخاذ کنند. تمام تشکل‌ها و کسانی که در برابر این توطئه سکوت می‌کنند یا زیر لوای دفاع از "مجمع عمومی" و "انتخابات" عملاً از سندیکاسازان و سندیکای دولتی و فرمایشی حمایت می‌کنند و آب به آسیاب رژیم می‌ریزند، بیرحمانه باید افشا شوند.

مدافعین راستین طبقه کارگر و تشکل‌های مستقل کارگری نمی‌توانند در قبال استقلال یک تشکل کارگری از دولت و کارفرما یا وابستگی به آن بی‌تفاوت باشند و در میانه این دو بایستند. بر کسی پوشیده نیست که سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به‌رغم هر نقد و انتقادی که به آن باشد، اما این سندیکا استقلال خود را از کارفرما و دولت حفظ کرده است. این سندیکا نقش مهمی در آگاهی‌بخشی، تشکل‌یابی و مبارزات کارگران شرکت واحد و کل کارگران ایران داشته و نقش مثبتی در پیشرفت جنبش کارگری ایفا کرده است. مادام که این سندیکا چنین است و برای تحقق مطالبات کارگران مبارزه می‌کند باید از آن حمایت کرد. در توطئه سندیکاسازی فرمایشی و قلبی برای به حاشیه‌راندن یک تشکل مستقل و مبارز کارگری که دولت پای اصلی آن است، یا باید در کنار کارگران شرکت واحد و سندیکای مستقل آن‌ها ایستاد یا در برابر آن و در کنار نهادهای دولتی و ضد کارگری. یا کنار طبقه کارگر یا مقابل آن در کنار طبقه سرمایه‌دار. راه سومی وجود ندارد.

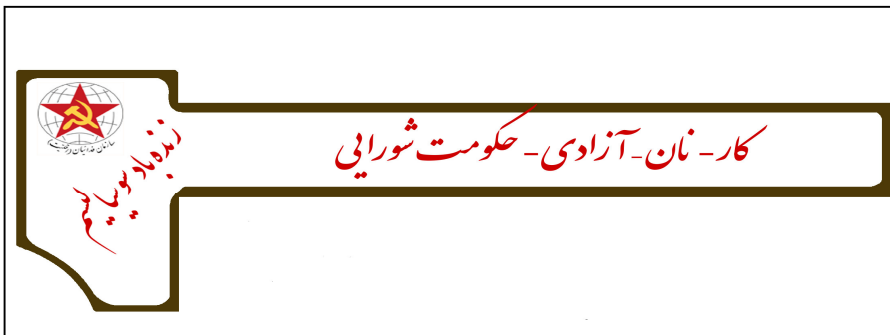
طول مدت فعالیت‌های کارگری خود متحمل شده‌اند، از سندیکای کارگران این شرکت حذف نمایند." کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری بر استقلال تشکل کارگری تأکید نمود و نوشت "تشکل کارگری باید مستقل (مستقل از دولت و کارفرمایان) باشد و به نیرو و قدرت و اراده و تصمیم خود کارگران - و نه هدایت و برنامهریزی دولت و کارفرمایان و همین‌طور حمایت و پشتیبانی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی - متکی باشد. لذا این "کمیته" نه تنها در این "مجمع" قلبی و حکومتی شرکت نمی‌کند؛ بلکه وظیفه خود می‌داند که همه جا و در همه حال این جریان منطقی و عناصر معلوم‌الحال و فرصت‌طلب آن را افشا نموده و در حد توان سایه کریه و بزک کرده آن را از سر جنبش کارگری کوتاه نماید." ۱۹ آبان ۹۷ کمیته پی‌گیری ایجاد تشکل‌های کارگری نیز در اطلاعیه مشترکی با سندیکای کارگران نی‌شکر هفت تپه و انجمن صنفی معلمان کردستان- مریوان، این توطئه را محکوم و از سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد حمایت کرد. گروه اتحاد بازنشستگان نیز اگرچه در اطلاعیه سندیکاسازان، از آن نامی برده نشده اما با صدور بیانیه‌ای در ۱۵ آبان ۹۷ از "سندیکاسازی فرمایشی" به عنوان تلاشی برای به خاموشی کشاندن مبارزات کارگران یاد نموده و نوشت "عوامل شوراهای اسلامی و خانه کارگر با هماهنگی وزارت کار دست به کار شده و با ترفند جدیدی اقدام به ایجاد تشکلی ساختگی و موازی با سندیکای مستقل کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد کرده‌اند؛ تا با ایجاد روحیه بدگمانی نسبت به تشکل‌های مستقل و افراد تلاش‌گر و زحمتکش، بتوانند این مبارزات حق‌طلبانه را به بیراهه بکشانند". گروه اتحاد بازنشستگان در ادامه اطلاعیه خود نوشت "اکنون که نطفه‌های حق‌طلبی و بدست آوردن مطالبات معیشتی و اقتصادی، دموکراتیک و سیاسی کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کشاورزان، زنان و جوانان و همه کسانی که به هر نحوی از تبعیض و نابرابری در

مجمع عمومی و نظارت بر انتخابات معرفی کنند. تشکل‌هایی که از آن‌ها نام برده شده عبارتند از: ۱ - سندیکای کارگران نی‌شکر هفت تپه ۲ - سندیکای فلزکار و مکانیک ۳ - سندیکای نقاشان البرز ۴ - کانون مدافعان حقوق کارگر ۵ - اتحادیه آزاد کارگران ایران ۶ - انجمن صنفی برق و فلزکار کرمانشاه ۷ - کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری ۸ - کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری.

به دنبال آن در اطلاعیه شماره ۷ که ۱۶ آبان ۹۷ انتشار داد مودیانیه چنین عنوان کرد که "چند تشکل داخلی اعلام آمادگی کرده‌اند که نمایندگان‌شان در مجمع حضور خواهند داشت" و در ادامه نوشت "امیدواریم نهادهای معتبر کارگری که دعوت‌نامه برای‌شان صادر شده در اسرع وقت ناظر خود را معرفی نمایند."

سازمان‌دهندگان توطئه علیه سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد بدون آن‌که از تشکل‌هایی که اعلام کرده‌اند به مجمع عمومی این‌ها نماینده می‌فرستند نام ببرند، با این اقدام حساب شده و عبارت مبهمی که در اساس برای عادی جلوه دادن اوضاع و فریب کارگران و کشاندن آن‌ها به نمایش "مجمع عمومی" که صحنه‌گردان اصلی آن دولت و دستگاه امنیتی آن است، می‌خواهند چنین وانمود کنند که تشکل‌های کارگری نیز از آن‌ها حمایت می‌کنند. از این رو موضع‌گیری سریع و صریح تشکل‌ها و فعالان کارگری می‌تواند این ترفند را نیز خنثا سازد یا دستکم این‌که موضع این تشکل‌ها در معرض دید جنبش کارگری قرار گیرد.

خوشبختانه سندیکای کارگران نی‌شکر هفت‌تپه با صدور اطلاعیه مورخ ۱۵ آبان ۹۷ توطئه ضد کارگری برای تخریب سندیکای کارگران شرکت واحد را محکوم کرد. سندیکای کارگران نی‌شکر هفت‌تپه در اطلاعیه خود از جمله نوشت "این پروژه تحت عنوان برگزاری مجمع عمومی و انتخابات، تخریب تشکل مستقل - مستقل از دولت و کارفرما - سندیکای شرکت واحد و ایجاد تشکل دست‌ساز را مد نظر دارد" و در پایان اطلاعیه چنین تأکید کرد "براساس وظیفه طبقاتی هم‌چنان خود را در کنار سندیکای شرکت واحد می‌دانیم". اسماعیل بخشی یکی از اعضای هیئت مدیره سندیکا و نماینده کارگران در شورای مستقل کارگران هفت‌تپه نیز در نوشته‌ای از سندیکای کارگران شرکت واحد و رضا شهابی حمایت کرد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری نیز در اطلاعیه‌ای مورخ ۱۷ آبان ۹۷ در این باره نوشت "طی ماه‌های اخیر، عوامل نفوذی و فرصت‌طلبی که بازیچه دست دولت و کارفرمایان شده‌اند، درصدد برآمده‌اند تا با غصب نام و آرم سندیکای کارگران شرکت واحد حمایت همه جانبه نیروهای اطلاعاتی و امنیتی به‌اصطلاح "مجمع عمومی" برگزار کرده و به خیال خود هیئت مدیره و اعضا و فعالان آگاه و صدیق آن را با همه جانفشانی‌ها، فشارها و سختی‌هایی را که در



پوزش و تصحیح:
در نشریه کار شماره ۷۹۵ مقاله سرکوب . . . اشتبهاً حسین زال زاده آمده است که صحیح آن ابراهیم زال زاده است.

توطئه شوم علیه سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالان آن را خنثی کنیم

توطئه شوم علیه سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتویوسرانی تهران و حومه، برای تخریب فعالان آن و برای به حاشیه راندن این سندیکا و ایجاد یک سندیکای دست‌ساز و دولتی ادامه دارد. این توطئه که از مدت‌ها قبل تدارک دیده شده و برای اجرای آن برنامه‌ریزی شده بود، اکنون وارد مرحله جدیدی شده است. پروژه سندیکاسازی در شرکت واحد، در واقع یک پروژه امنیتی - دولتی علیه این سندیکای مستقل کاریگری و فعالان آن است. کارگردان‌های اصلی پروژه، ترکیبی از عوامل دولتی-امنیتی، وزارت کار، مدیریت شرکت واحد و تنی چند از کسانی هستند که پیش از این عضو سندیکا بوده‌اند و در حال حاضر گرایش راست پرو رژیم سندیکا را نمایندگی می‌کنند و ابزار دست این مجموعه شده‌اند.

نهم خرداد ۹۷ نامه‌ای با امضای جعلی "شورای سندیکای مستقل کاریگری شرکت واحد" به

سندیکاهای فرانسوی ارسال شد که در آن ضمن شکایت از این‌که این سندیکاهای، از رضا شهبانی، داود رضوی و حسن سعیدی به عنوان نمایندگان سندیکا دعوت به عمل آورده‌اند، علیه فعالان این سندیکا به سمپاشی پرداختند. سپس در اطلاعیه کوتاهی که با امضاء "هیئت برگزاری مجمع عمومی" انتشار یافت، تصمیم خود برای برگزاری یک به اصطلاح مجمع عمومی و ایجاد یک سندیکای جعلی و دولتی در مقابل سندیکای کارگران شرکت واحد را بر ملا کردند. سندیکای کارگران شرکت واحد با صدور اطلاعیه‌ای در ۲۸ مرداد اهداف پروژه سندیکاسازی دولتی را افشا کرد. اما این مجموعه که از قبل نام و آرم سندیکارا نیز جعل نموده و در پوشش مدافع برگزاری مجمع عمومی ظاهر شده بود، طوماری را در همین رابطه انتشار داد و با این پُر حق به‌جانب و با این هدف که این اقدام مورد

در صفحه ۶

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
BIC: INGBNL2A
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization

Of Fadaian (Aghaliyat)
No 797 November 2018



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

بدینوسله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دمکراسی شورایی می‌رسانیم که:

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره یاست پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

ماهواره یاه ست Satellite Yahsat

فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency

عمودی Polarization Vertical

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate

اف ای سی ۵/۶ FEC

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی:

چهارشنبه‌ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران

(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)

بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران

(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت:

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید.

۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

www.didgah.tv

www.glwiz.com

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فداییان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>

<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دمکراسی شورایی جهت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهم‌زمان در ایران، اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی